

ترویج و جلب مشارکت در تعاونی‌ها

دکتر حسن نیازی

مقدمه

بیشتر جامعه‌شناسان و اقتصاددانان وجود نابرابری‌های فزاینده اقتصادی - اجتماعی را در جوامع دنیا ناشی از عدم وجود «مشارکت» مردم در فرایند توسعه و برنامه‌های آن می‌دانند. آنان معتقدند به دلیل این که منابع ملی و بهره‌برداری از آنها در اختیار گروه‌های خاص و محدود قرار دارد و این گروه‌ها نیازها و منافع خود را به نیاز و منفعت عمومی ترجیح می‌دهند، نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی و شکاف بین آنها و عامه مردم را موجب می‌شود. ادامه این روند بتدریج تبدیل به یک جریان مسلط و قطبی شدن جامعه می‌گردد. در نتیجه، افزایش روز افزون نابرابری‌ها را پیش روی مردم و دولت‌ها قرار می‌دهد.

این در حالی است که هر چه مشارکت عمومی مردم در سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری آنها از منابع از طریق دخالت آنها در برنامه‌ریزی، سازماندهی و اجرای طرح‌های توسعه ملی بیشتر شود، این نابرابری‌ها کاهش خواهد یافت.

مطالعات زیادی نشان داده‌اند که تعاون و تعاونی‌ها در تضعیف و زایل ساختن نابرابری‌ها و بی‌عدالتی در اقتصاد نقش مؤثری دارند. زیرا تعاونی‌ها به منزله سازمان‌های مردمی، عامل تشویق و تقویت مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی و بهره‌برداری منصفانه هستند. از این رو، با پدیده‌های نابرابری مبارزه‌ای ریشه‌ای دارند. بنابراین، هر چه نقش تعاون در یک جامعه در فرایند توسعه ملی فزاینده‌تر شود، میزان نابرابری‌ها کاهش یافته و

مردم بیشتری در مدار توسعه قرار خواهند گرفت.

مسئله مشارکت و راه‌های جلب و ترویج آن در بخش تعاون در هر جامعه‌ای از مهمترین مسائل اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

از آنجا که مشارکت در تعاونی‌ها مجموعه گردش کار و عملیاتی است که تمام کارکنان و اعضای یک سازمان را در روند تصمیم‌گیری‌های مربوط به آن سازمان شریک می‌سازد و به مشارکت علاقه‌مند و داوطلبانه اعضا تاکید دارد و نیز هدف از مشارکت در بخش تعاون جلوگیری از تجمع ثروت در دست تعدادی از افراد و ممانعت از احتکار و انحصار کالاها، ضروری و کنترل‌شده می‌باشد، لذا مشارکت میان اعضا در قالب تعاونی‌ها باعث می‌شود که یک داد و ستد اجتماعی دو سویه میان افراد برقرار شود و مهمترین مزیت آن این است که خلاقیت و ابتکار همه اعضا را به کار می‌گیرد زیرا مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی افراد در موقعیت‌های گروهی به منظور دستیابی به هدف‌های گروهی می‌باشد.

از طرف دیگر با توجه به اینکه کشور ما در مسیر توسعه گام برمی‌دارد و تلاش دارد تا مردم در امر توسعه مشارکت بیشتری داشته باشند، یکی از بخش‌های مهم جامعه که مشارکت بیشتر مردم را می‌طلبد بخش تعاون است لذا در این نوشتار ضمن پرداختن به مفهوم تعاون و مشارکت سعی شده تا به پرسش‌های ذیل پرداخته شود:

- ۱- موانع مشارکت در تعاونی‌ها چیست و چگونه می‌توان این موانع را از میان برداشت؟
- ۲- فواید مشارکت در تعاونی‌ها چیست؟

چارچوب نظری و مفهومی

الف: تعاون cooperation

تعاون در لغت مترادف با واژه‌هایی چون همیاری و همکاری است. همکاری کردن عبارت است از با هم اقدام کردن، با کسی به طور مشترک عمل کردن و تلاش‌هایی را در جهت تحقق هدفی مشترک انجام دادن می‌باشد. از نقطه‌نظر جامعه‌شناسی زمانی همکاری رخ می‌دهد که تعامل اجتماعی بین اشخاص و گروه‌هایی که هدف آنان پیوند دادن فعالیت‌هایی چند، اعمال کمک متقابل و انجام کاری به طور مشترک است، پدید آید.

از نظر اقتصادی، در معنای خاص، همکاری نوعی سازمان و عمل اقتصادی است که از طریق آن اشخاص و گروه‌هایی با داشتن منافع مشترک و به منظور کسب امتیازاتی مشترک، با یکدیگر جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی پیوند می‌خورند. در این صورت از تعاونی‌ها، اتحادیه‌های تعاونی و تعاون و تعاون‌گرایی سخن به میان می‌آید.

اصطلاح همکاری و تعاون در سطح بین‌المللی، برای مشخص ساختن شکل خاصی از کمک متقابل اقتصادی و یا کمک‌های فنی که فارغ از هر نوع مقاصد سلطه‌جویانه کشور کمک‌کننده به انجام رسد به کار می‌آید. در این صورت هدف از همکاری و تعاون انجام عملی مشترک توسط چند کشور به منظور تحقق امر توسعه به طور همسته و مشترک است. برخی از مؤلفان سخن از همکاری و تعاون محیط‌شناختی می‌کنند و منظورشان تعریف وابستگی‌های متقابل.

محمد کارخان نصرآبادی

تعامل و صور گوناگونی از عمل تکمیل یکدیگر به طور متقابل است که بین موجوداتی در یک محیط دارای ویژگی‌های مشابه پدید می‌آید و نیز خدماتی که متقابلاً در جهت بقای مشترک به انجام می‌رسانند.

(ب) مشارکت

لزوم مشارکت واقعی مردم چه در برنامه‌های عمرانی و چه در توسعه ملی و نوسازی جامعه همیشه مورد توجه اندیشمندان خصوصاً جامعه‌شناسان بوده است زیرا در صورت بروز مشارکت مردم در جریان برنامه‌ریزی، مفهوم برنامه‌ریزی کشور دچار دگرگونی می‌گردد و صرفاً به جنبه‌های اقتصادی و فیزیکی توجه نخواهد داشت، همچنین تغییر در ساخت قدرت سیاسی و پیشرفت فناوری و عقلانی کردن نحوه زندگی و مشارکت مردم اهمیت اساسی دارد.

مشارکت عمومی دارای کیفیات و چشم‌اندازهایی است که سرانجام دستیابی به یک راه‌حل نهایی و همه‌جانبه را ایجاب می‌کند. مشارکت در امور عمومی، مردم را با محدودیت‌های موجود آشنا ساخته و آنها می‌آموزند که نه به صورت انفرادی بلکه به صورت گروه‌های اجتماعی کار کنند تا محدودیت‌ها و مشکلات مرتفع گردد.

مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. لذا بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع و مشارکت به عنوان عمل و تعهد تمایز ایجاد می‌گردد که مشارکت به عنوان حالت یا وضع عبارت از تعلق به یک گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن می‌باشد و مشارکت به عنوان عمل و تعهد شرکت داوطلبانه و فعالانه در گروه را می‌رساند که به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد.

سطوح مشارکت عبارتند از:

الف) مشارکت در یک یا چند گروه که با توجه به شکل، ماهیت، شدت و

فراوانی تماس‌های فرد با گروه قابل تعریف است.

ب) از دیدی وسیع‌تر و با در نظر گرفتن کل جامعه و بخش‌های گوناگون سازمان آن، مشارکت به معنای تعلق همراه با فعالیت به مجموعه‌ای از وظایف و هم به معنای امکان سود بردن از آن است. مشارکت اجتماعی در این حالت، عبارت است از مشارکت کم و بیش آشکار در حیات اقتصادی، گذران اوقات فراغت، فرهنگ، تقبل مسؤلیت‌های سیاسی، اجتماعی و غیره.

از دیدگاه جامعه‌شناسی خصوصاً جامعه‌شناسی کارکردی مشارکت جایگاه ویژه‌ای دارد. رابرت مرتن مطرح می‌کند که تحلیل کارکردهای پنهان و آشکار، مخصوصاً در سطح ساخت‌ها باید شامل مباحث ذیل باشد:

- وضع و شرایط مشارکت کنندگان در ساخت اجتماعی یا به عبارتی مشارکت تفاوتی که حاکی از عدم یکسان بودن انگیزه انسان‌های مشارکت‌کننده می‌باشد.

- معنای عاطفی و شناختی رفتار و عمل آنانکه به مشارکت می‌پردازند.

- تمایز بین انگیزه‌های مشارکت و رفتار مشارکت کنندگان

- جنبه‌های رفتاری منظم که با این انگیزه‌ها پیوسته‌اند و هر چند که مشارکت کنندگان چندان شناختی از آنان نداشته باشند.

خاستگاه مشارکت در تعاونیها و راههای جلب و ترویج آن

همانطور که مطرح شد مشارکت به معنای ایجاد نوعی همستگی و تعلق و تلاش دسته جمعی میان افراد جامعه به منظور نیل به یک نظام عادلانه اجتماعی است و از آنجا که تعاون و همکاری از اصول اولیه زندگی اجتماعی مردم می‌باشد و به عنوان یک ارزش از گذشته دور مطرح بوده است، لذا مشارکت در تعاونیها از مسائل مهم هر جامعه‌ای جهت نیل به توسعه و پیشرفت می‌باشد. شرکتهای تعاونی به سبب قائل شدن نقش فعال و دخالت دادن صادفانه اعضای خود

در کلیه مراحل (از پیدایش تعاونی تا توسعه فعالیتها و تداوم آن) به کانونهای اصیل تبلور مشارکت اشتها یافته‌اند. به دلیل این که همه فعالیتها با مشارکت داوطلبانه گروه‌های مردمی (اعضا) انجام می‌شود، شرکتهای تعاونی هسته‌های بنیادین و اصلی ترغیب مردم به مشارکت و جامعه‌گرایی به حساب آمده و تجلی‌گاه فرهنگ مشارکت در عرصه فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی می‌باشند. با این باور، به کمک تعاونیها می‌توان نوعی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درون‌زا و خود جوش را با بهره‌گیری از مشارکت فعال همه آحاد مردم سامان داد.

از نگاه توسعه‌گرایان و دکترین توسعه، تعاونیها، سازمانها و ابزارهای مؤثر مردم نیز مجری اصل تعالی اتکای بر مردم در فرایند توسعه هستند. تعاونیها محیط دموکراتیک مناسبی را برای تصمیم‌سازی گروهی فراهم می‌سازند و از این حیث برخی تعاونیها را کانون آموزش مشارکت و رفتار مشارکتی دانسته‌اند. این کانونها (تعاونیها) به مردم می‌آموزند که چگونه می‌توان به یک جامعه کاملاً مشارکتی و متکی بر دموکراسی نایل شد.

تعاونی و مشارکت در واقع دو روی یک سکه و لازم و ملزوم یکدیگرند. هنگامی که یک شرکت تعاونی از مسیر پیش‌بینی شده و واقعی خارج می‌شود، در واقع، ماهیت مشارکت در آن تعاونی دچار مشکل شده است و باید برای آن فکری کرد. حال آن که اگر یک تعاونی به نحوی مؤثر و مطلوب در راستای نیل به اهداف خود به خوبی پیشرفت کند، یقیناً از عنصر مشارکت به خوبی بهره‌مند است. از نگاهی دیگر، تعاونیها که پایگاهها و مراکز اجرای اصول مشارکت هستند به مثابه مراکز قدرت مردم نیز به حساب می‌آیند. منظور از قدرت آن است که توان دسترسی به منافع اقتصادی برای حفظ و تامین معاش و کنترل بر منابع مزبور برای مردم تسهیل و تسریع می‌گردد. در این باره تعاونیها مردم را تشویق به مشارکت برای کسب قدرت در دسترسی به منابع و اداره زندگی خود و همیارانشان

حس مسؤولیت پذیری فردی در شهروندان در زمینه مسائل مهم محل زندگی. (ج) ایجاد زمینه‌های اعتماد و همبستگی اجتماعی بین مسؤولین و مردم به عنوان عامل مهم در برنامه‌ریزی. (چ) استفاده از توانمندی‌ها و مشارکت مردم همراه با کاربرد روش‌های موثر و مفید در انجام امور. (ح) واگذاری کار مردم به مردم یعنی مشارکت به عنوان قدرت و تفویض اختیار. (خ) تسقویت انگیزه مسؤولیت پذیری.

(د) افزایش سرعت پیشرفت طرح‌های توسعه
(ر) جلب مشارکت مردم در اداره امور با فرهنگ‌سازی مناسب و اطلاع‌رسانی برای فراهم نمودن شرایط لازم و مناسب مشارکت

۲- روشن شدن چرایی مشارکت مردم در تعاونی‌ها؛ در پاسخ به این سؤال باید انگیزه اصلی مردم را برای مشارکت جویا شد و اینکه چگونه این انگیزه را در آنها ایجاد کنیم. برای این امر

پیش‌فرضهای زیر پیشنهاد می‌گردد:
الف) نهادینه کردن مشارکت که نقطه شروع آن باید پذیرش ارزش‌های جامعه باشد.
ب) اجتماعی کردن یا جامعه‌پذیر کردن مشارکت که عواملی چون ایدئولوژی، ساخت اجتماعی، سابقه تاریخی و ارزش‌های فرهنگی بر آن موثر هستند.
ج) درونی کردن مشارکت رفتار مردم و مشارکت آنها بستگی به انگیزه درونی آنها دارد.

۳- فرایند مشارکت در تعاونی: مشارکت مردم از دو فرایند حاصل می‌شود: یکی ساختار اداره یا تصمیم‌گیری

۵- گاهی مشارکت وسیله نادرستی برای اعمال نفوذ و دخل و تصرف در امور می‌شود.

لذا کم‌رنگ شدن مشارکت مردم در تعاونی‌ها و سایر عرصه‌های رسمی و غیررسمی ریشه در مسائل متعدد آشکار و پنهان جامعه دارد و مانعی مثل موانع ساختاری تعاونی‌ها (ساختار متمرکز اداری و نظام‌های تصمیم‌گیری)، موانع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و موانع ملی می‌باشد. با توجه به محدودیت‌های فوق، در راستای مشارکت



بیشتر مردم در تعاونی‌ها نکات ذیل یادآوری می‌گردد:

۱- بیان اهداف و دلایل مشارکت مردم در تعاونی‌ها؛ با وجود به اینکه مشارکت نهمدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسؤولانه و نیز یکی از سازوکارهای اعمال قدرت است، باید نیروی شرکت‌کنندگان را جذب کرده و اهداف خاص و تعریف شده‌ای را برای آنها مطرح کرد.

به این منظور راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌گردد:

الف) نیازسنجی و شناسایی اولویت‌ها از دیدگاه مردم و توجه به نظرات آنها.
ب) تقویت مشارکت‌پذیری و ایجاد

می‌کنند. اعضای تعاونی‌ها به موجب این قدرت قادر می‌شوند که نیازهای گروه همیار را تأمین کنند و از طریق تشریح مساعی چگونگی انتخاب، نحوه و توزیع منابع، آن نیازها را برطرف سازند. با این وصف، در فلسفه تعاون، مشارکت، کلید طلایی توسعه تعاونی و در نتیجه توسعه ملی است. مشروط بر اینکه رهبران و اعضا تعاونی‌ها بتوانند مشارکت را به نحوی معنی‌دار در فرایند فعالیت‌ها به کار گیرند. قبل از اینکه به راه‌های جلب و ترویج مشارکت در تعاونی‌ها پرداخته شود لازم است به موانع محدودیت‌های مشارکت در تعاونی‌ها اشاره گردد که اهم آنها به شرح ذیل می‌باشد:

۱- برخی مردم توقع دارند در هر موضوعی اگر نتوانند درباره آن کمکی بدهند از آنان نظرخواهی شود. از این رو این نوع افراد مفهوم مشارکت و فواید آن را به معنای واقعی آن درک نکرده‌اند.

۲- برخی مردم عملاً نمی‌خواهند خود را درگیر مشارکت، لذا نباید مشارکت

تحمیلی برای آن‌ها در نظر گرفت. مشارکت تحمیل شده از طریق برگزیدگان یا نخبگان اعمال می‌شود و در این روش از تکنیک‌های روانی، اجتماعی و یا مکانیسم فرهنگی استفاده می‌شود.

۳- برخی مدیران و مسؤولین سازگاری کافی و مناسبی با مشارکت مردم ندارند زیرا تصور آنها از مشارکت مردم به معنای سلب قدرت و اقتدار نسبی آنها می‌باشد.

۴- برخی مسؤولان و مدیران پس از جلب مشارکت مردمی، فلسفه و چرایی مشارکت مردم را از یاد می‌برند و فقط مشارکت و حضور مردم را خواهان هستند.

است که از طریق اعضا در اداره تعاون سهیم هستند و دیگری ساختار عملیاتی است که در آن اعضا از طریق فعالیت‌های کاری به دنبال نیل به اهداف تعاونی هستند. ساختار تصمیم‌گیری در تعاونی‌ها به قوانین و مقررات تعاونی‌ها برمی‌گردد که اعضا افرادی را به عنوان مدیران نظارت کننده انتخاب می‌کنند.

ساختار عملیاتی در تعاونی‌ها زمانی شکل می‌گیرد که تعاونی‌ها به دنبال اهداف اقتصادی و بازرگانی و تجارتي باشند و اعضای شرکت تعاونی هر کدام نقشی را که در ساختار تصمیم‌گیری به عهده دارند از نقش آنها در ساختار عملیاتی جدا می‌کنند.

۴- اهمیت و نقش مشارکت: در مباحث مربوط به مشارکت یکی از ابعاد است که بسیار مهم به نظر می‌رسد دخالت دادن مردم در کارها و فعالیت‌های مربوط به خویش از طرح مسأله یا نیاز گرفته تا دخالت در تصمیم‌گیری، اجرا،

نظارت، بهره‌برداری، حفظ و مراقبت و در نهایت ارزشیابی امور و غیره می‌باشد. با عنایت به اینکه مشارکت شاخص مهمی برای توسعه یافتگی است لذا به منظور روشن شدن اهمیت و نقش مشارکت باید به جنبه‌های ذیل توجه نمود:

الف: مشارکت در تصمیم‌گیری: از طریق برگزاری جلسات متعدد و برانگیختن افراد به حمایت و حفظ و نگهداری پروژه‌ها

ب: مشارکت در اجرا: اجرای طرح‌های عمده تعاونی در سطح شهر و روستا بدون دخالت دادن نظر مردم امکان ندارد. لذا با جویا شدن نظر مردم و دخالت دادن نظرات آنها در کم و کیف طرح‌ها می‌توان باعث کوتاه شدن زمان اجرای طرح‌ها،

کاهش هزینه‌ها، رفع فوری نیازها و در نهایت موفقیت تعاونی‌ها گردید.

ج: مشارکت در ارزشیابی: از طریق مشارکت مردم می‌توان محدودیت‌های اجرای طرح‌های تعاونی‌ها را در سطح شهر و روستا شناخت. از این طریق، روحیه مسؤولیت‌پذیری و همکاری بیشتر در مردم شکل می‌گیرد.

۴- نتیجه‌گیری

آسیب‌شناسی تعاونی‌ها نشان از آن دارند که حلقه گمشده در تعاونی‌های

در کشورهای در حال توسعه، پذیرش و به کارگیری مشارکت مردمی یک اصل انکارناپذیر برای تحقق توسعه است. بویژه در کشور ما با توجه به سوابق تاریخی و نیز تعالیم عالیه اسلام که مسأله فرهنگ مشارکت بسیار توصیه شده است، باید مشارکت مردم در فرایند توسعه ملی جداً موردنظر مسؤولان قرار گیرد.

شکست خورده، ضعیف و توسعه نیافته، فقدان مشارکت و یا عدم بهره‌گیری منطقی و صحیح از آن می‌باشد. در کشورهای در حال توسعه، پذیرش و به کارگیری مشارکت مردمی یک اصل انکارناپذیر برای تحقق توسعه است.

بویژه در کشور ما با توجه به سوابق تاریخی و نیز تعالیم عالیه اسلام که مسأله فرهنگ مشارکت بسیار توصیه شده است، باید مشارکت مردم در فرایند توسعه ملی جداً موردنظر مسؤولان قرار گیرد. نکته آخر اینکه برای تثبیت فرهنگ مشارکت، شناخت اساسی فلسفه تعاون و آموزش آن به مردم بسیار حائز اهمیت است. زیرا در عصر حاضر یکی از ویژگی‌های انسان، تغییرپذیری در اندیشه و رفتار است. فرهنگ تعاون می‌تواند به

آسانی، فرهنگ مشارکت را در جوامع گسترش دهد.

با توجه به مطالب مطرح شده مشارکت در تعاونی‌ها به عنوان یکی از اصول مهم در موفقیت و پیشرفت جامعه به شمار می‌آید و این مشارکت زمانی میسر خواهد شد که رابطه‌ای دو جانبه بین مردم و مسؤولین برقرار گردد. بر این اساس مشارکت نیاز به دیدگاه یا سعه صدر دارد و باید یک فلسفه سیاسی و اجتماعی برای جلب و ترویج مشارکت مردم وجود داشته باشد زیرا مشارکت یک قانون نیست بلکه یک فضا می‌باشد و از آنجا که اطلاعات به عنوان ریشه اصلی مشارکت به شمار می‌آید، همه مردم باید به آن دسترسی داشته باشند. زیرا دسترسی برابر به اطلاعات مانند مشارکت در قدرت است. از طرف دیگر نباید انگیزه‌های مادی را نادیده گرفته و از مردم جهت پیشرفت جامعه کمک گرفت، بدون اینکه از آن بهره‌مند گردند و نهایتاً با توجه به

اینکه مشارکت، همکاری سازمان یافته‌ای است که نیاز به اختیار و آزادی عمل داشته و می‌بایست امر دائمی و همیشگی باشد باید روش‌هایی اتخاذ کرد تا روند این مهم بیشتر گردد.

منابع:

- ۱- بیرو، آلن - فرهنگ علوم اجتماعی - ترجمه بافر ساروخانی - انتشارات کیهان - تهران - ۱۳۷۰.
- ۲- توسلی، غلامعباس - مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک - انتشارات دانشگاه تهران - تهران - ۱۳۸۲.
- ۳- ماهنامه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی تعاون - ۱۳۸۳.
- «استادپار و عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان»
- «کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، کارشناس پژوهش دانشگاه کاشان»